

گوشی درون سنه من مرغ گنگی

گوشی بروی تخمه ای انصافه ام در سطح دریا  
یا موج های پر تلاطم می روم یا بینی و بالا  
گوشی فرار ابرو ، بر تون سیمین سوارم  
بر نقطه ای در دردت ناشناسی بسیارم

گوشی درون سنه من مرغ گنگی  
پروای خود را می کند با کوفت فنقار  
گوشی درادم من زخم در خواب زیاد  
اما نمی گدم از آن زیاد ، بیدار

(گوشی سر و صبح گیری در من دیده)

گوشی که شخص گیری در من نشسته  
بگمانه ام کرده است یا خوش  
گوشی که رو با ام روزان گذشته  
بر من زنده از دست بر نشسته

گوشی درون جگر مار یک نگاه

در چشم جوشی هم دوم این لودان کو

ساید بینم در افق روشن شده ماه ...

× × ×

۲۱



تیرک ۱۹۸۲